

پشت پرده ریزش مخاطبان تلویزیون چیست؟

وقتی درباره کاهش مخاطبان صداوسیما صحبت می‌کنیم؟ دقیقاً از چه چیزی صحبت می‌کنیم؟ احتمالاً در این چند روز نام برنامه «به افق فلسطین» به گوش‌تان خورده است، برنامه‌ای که تیم تولید محتوای خلاقانه‌ای داشت و اتفاقاً نسبت به باقی آثار تلویزیونی بسیار پر مخاطب‌تر بود، این ماجرا را می‌توان از بخش‌هایی که در فضای مجازی وایرال می‌شد متوجه شد، اما بدون زیر سوال بردن کیفیت این برنامه، پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا بخش‌هایی که در فضای مجازی می‌چرخید به خاطر آنبوه مخاطبان این برنامه بود یا اعضای تیم سازنده هم در ارائه خوراک به رسانه‌ها سهم داشتند؟ که در پاسخ به این پرسش باید گفت اگر دائم بخش‌هایی از این برنامه را در تلگرام، اینستاگرام یا حتی آپارات و سایت‌های خبری می‌دیدیم به کمک تیم سازنده این هدف حاصل شده بود. از آن جایی که تلویزیون هر سه ماه یکبار آمار تعداد محدودی از مخاطبان را ارائه می‌دهد آن هم بدون اینکه تعداد بیننده را شرح دهد، ناچاریم به آمار و ارقام دیگری بسنده کنیم به طور مثال برای برنامه «به افق فلسطین» سراغ تلویویون رفتم؛ بیشترین تعدادی که این برنامه را تماشا کرده بود ۱۱ هزار نفر برای قسمت «سلطنت ۲۸ ساله بر تخت پادشاهی فوتبال ایتالیا» بود. اما چرا این اتفاق رخ داده است؟ کیفیت برنامه ضعیف بود؟ خیر. این صراحت کلام در تک‌بیک کم‌بودن کیفیت برنامه از آن جایی حاصل می‌شود که وقتی تیم سازنده عوض شد هنرمندان و منتقدان و سیاسیون زیادی نسبت به این ماجرا واکنش نشان دادند و از این ماجرا ابراز ناراحتی کردند. حتی غلام‌رضا نوری قزلبه نماینده ردصلاحیت شده مجلس یازدهم درباره این که به نظر شما چرا پس از انتقاد یکی از مهمانان صداوسیما در خصوص حضور چهره‌های گوناگون از جریان‌های متخلف صداوسیما در برنامه «به افق فلسطین» تیم این برنامه تغییر کرده است، گفت: «تفسیر من این است که در راستای توسیع‌ان‌خاتم این تغییرات را انجام داده‌اند. اما اگر به‌صورت سهوی هم صداهای متفاوتی شنیده می‌شد، آن‌ها هم نباشد.» می‌توان با آمار و ارقام به صراحت تأیید کرد که آمار مخاطبان صداوسیما کاهش یافته‌است، مرداد بود که محمدرضا نجرزاده، مدیر گروه اجتماعی شبکه ۳ آمار ی را منتشر کرد: «۵ درصد مخاطب برای سیدخندان، معلی ۳۷ درصد، محفل قرآنی ۲۰ درصد، اعجوبه‌ها تا ۳۰ درصد را زد، خودمونی رجبی ۱۹ درصد.» در آن زمان برنامه «پاورقی» ۵ درصد مخاطب داشت و حالا تعداد مشارکت‌های مردمی برنامه «پاورقی ۲» برای سه نظرسنجی را بررسی می‌کنیم، نظرسنجی «کاسب‌ترین فرد در بین براندازان چه کسی است؟» ۵ هزار و ۹۷۸ پیام، نظرسنجی «به گفته کارشناس بی‌بی‌سی کدام شه‌آزاده گاو مهربان است؟» ۹ هزار و ۹۲۴ شرکت‌کننده و نظرسنجی «طبق گفته براندازان مهمترین نماد و نشانه برای فروپاشی نظام چه بوده؟» ۶ هزار و ۵۹۴ پیام برای مشارکت دریافت کرده‌است و شاید یکی از دلایلی که نظرسنجی پیامکی ابن برنامه تنها پس از ۶ هفته پایان یافت همین ماجرا بود. این تعداد شرکت‌کننده را در نظر داشته باشید، حالا برنامه «ود» را به‌خاطر بیابورید که در بیشترین حالت ۶ میلیون و ۴۰۰ هزار پیامک دریافت کرده بود و البته در حالت عادی هم تعداد پیام‌های دریافتی‌اش یک میلیون پیام بود، چرا راه دور برویم برنامه «فوتبال ۱۲۰» همواره بیش از ۱۰۰ یا ۱۲۰ هزار پیامک داشت و گاه این پیام‌ها به ۴۰۰ هزار تا هم می‌رسید آن هم برای ۲ ساعت پخش هفتگی در ساعات پایانی شب در یک شبکه تخصصی که همه مخاطبان همگام عوض کردن شبکه‌های تلویزیون ممکن نیست به چشم‌شان بخورد یعنی این تعداد تقریباً مخاطبان ثابت این برنامه به شمار می‌آمدند.

❖ اوضاع نگران‌کننده برنامه‌های ترکیبی تلویزیون

باید پرسید وقتی آمار بیننده سریال‌های نمایشی – که همواره پر بیننده‌ترین شکل برنامه‌سازی در تلویزیون به شمار می‌رود – به مرز ۱۵ یا ۲۰ درصد رسیده است، به برنامه‌های ترکیبی – که در اغلب موارد بیننده کمتری نسبت به سریال‌ها دارد – چه مقدار مخاطب جذب می‌کنند؟ چرا آمار بیننده‌ها به قدری کاهش یافته که باید خود عوامل برای دیده شدن برنامه تلاش کنند؟

همه این‌ها در حالی است که اساساً انتشار آمار میزان بیننده برنامه‌های رسانه ملی طی دو سال گذشته به شکل قطره چکانی رخ داده است.

«آرمان ملی» نگاه دولتی‌ها به انتخابات اسفند را بررسی می‌کند؛

مجلس گوش به فرمان یا مجلس مطالبه‌گر؟



هدایت... آقای در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:
هیچ پلیس خوب و بدی وجود ندارد

مردم را نسبت به حضور در انتخابات و پای صندوق‌های رای ناامید و با مشکل مواجه کند، حرکتی در جهت خلاف نظام است. مسعود پزشکیان گفت: اینکه نگذاریم افرادی به‌عنوان نامزد در انتخابات حضور داشته باشند و با یک‌سری دلایلی از حضور حداکثری مردم جلوگیری کنیم، نفع نظام را تأمین نمی‌کند. برخی افراد تأثیرگذار در جریان ردصلاحیت‌ها می‌خواهند کاری کنند که در کشور تک‌صدایی باشد. تک‌صدایی، رقابت و تلاش را از بین می‌برد. کاندیدای ردصلاحیت شده مجلس دوازدهم اظهار کرد: استانداری‌ها و فرمانداری‌ها در کار و تصمیم‌ها تأثیر اجرایی برای ردصلاحیت‌ها اعمال نفوذ کردند و من هم این مساله را نفی نمی‌کنم، بالاخره بشر است و می‌تواند اشتباه کند. افرادی که در هیأت‌های اجرایی حضور داشتند، معتمد مردم نیستند، چون اگر معتمد بودند به این راحتی به ما نمی‌گفتند شما ضدنظام هستید. تمام زندگی ما برای نظام بوده است و حال، یک عده آن‌جا نشستند و می‌گویند تو نظام را باور نداری. من چطور ی باید به‌صورت عملی ثابت می‌کردم که وجودم را برای نظام گذاشته‌ام؟ جنگ رفتم، مدیریت کردم، ناسزا شنیدیم، طبابت کردم، حال باید چطور بگویم ما در کنار نظام بودیم؟ نماینده ادوار مجلس تصریح کرد: در ردصلاحیت من گفته شده عدم پایبندی و عدم اعتقاد عملی به نظام داشتی؛ بند دوم از ماده ۳۱ اولش نمی‌خواستم اعتراض به ردصلاحیتم بکنم، اما از آن جایی که برخی دوستان از من خواستند، اعتراض به این ردصلاحیت را ثبت کردم. این افراد توصیه‌کننده به من، هم از تفکر اصلاح‌طلبی بودند و هم تفکر اصولگرای. دوستان گفتند اگر اعتراض نکنی، آن‌ها فکر می‌کنند این موضوع را قبول داری. واقعاً به آدم برمی‌خورد که زندگی‌اش را برای نظام بگذارد و بعد عده‌ای در آن جایگاه تصمیم‌گیر به من بگویند نظام را قبول ندارم. این نظام را قبول نداشته‌م بجای اینکه بیایم مجلس و با تفکر همراهی کنیم، می‌رفتم و جلوی نظام ایستادگی و کار می‌کردم.



مسعود پزشکیان: استانداری‌ها و فرمانداری‌ها در ردصلاحیت‌ها اعمال نفوذ کردند

رویکرد دوم هدف باشد همین دست فرمان مجلسی مدیریت شده و گوش به فرمان دولت را تشکیل خواهد داد. حال باید دید طی ماه‌های آینده روند امور به چه صورت خواهد بود.

❖ **اختلاف بین خوداصولگرایان است**

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در خصوص عملکرد هیأت‌های اجرایی و احتمال بازگشت برخی کاندیداهای ردصلاحیت شده از سوی شورای نگهبان اظهار داشت: یکسان‌سازی و تسویه از فرمان مجلس چهارم و ماجرای احراز صلاحیت‌ها شروع شد و این حرکت همیشه ادامه داشت. امروز هم اگر بخواهیم نگاه و تحلیل کنیم باید ببینیم چه چر یانانی چکار می‌کنند. هدایت... آقای به «آرمان ملی» گفت: امروز دیگر بحث اصولگرا و اصلاح‌طلب وجود ندارد و اصلاً اصلاح‌طلب‌ها در انتخابات حاضر نیستند که بخواهند برای تأیید صلاحیت و... بحث یا چانه‌زنی کنند. جریانات دیگر نیز مطرح نیستند. اختلاف اکنون در دایره اصولگرایان است که به دو طیف تقسیم شدند. طیفی که از دولت طرفداری می‌کنند یا حداقل گرایش منفی ندارند و طیفی که عمدتاً جبهه پایداری است. وی افزود: هیچ پلیس خوب و بدی وجود ندارد و فقط با هم دعوا دارند. اینکه من فکر می‌کنم نتیجه کار اینها چندان مهم نیست و اتفاق خاصی نمی‌افتد و در جامعه هم اثر خاصی نخواهد داشت. هر چند که در این میان آدم‌های خوبی هستند مثل آقای پزشکیان که شاید به نفعشان هست اینها کنار بروند که نتوانسته‌اند آنها را تحمل کنند.

❖ **در ردصلاحیت‌ها اعمال نفوذ کرده‌اند**

نماینده تبریز در مجلس در خصوص ردصلاحت‌ها اظهار داشت: علم غیب ندارم که بدانم پشت‌سر این ردصلاحت‌ها چه کسانی بودند، اما هر کسی یا کسانی که در این ماجرا نقش داشتند و اتفاقی می‌افتد، باید روند‌طوری باشد تا مشارکت در انتخابات پیش‌رو حداکثری باشد. هر حرکتی که باعث شود

تلاش برای حذف رئیس‌جمهور سابق از خبرگان

خالص‌سازان در پی تأثیر بر شورای نگهبان!

❖ **مصطفی درایتی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:** هجمه خالص‌سازان به روحانی خلاصه نخواهد شد

عضو مجلس خبرگان رهبری: روحانی باید ردصلاحیت شود



❖ **روحانی نمی‌تواند به رهبران بیاید**

یک عضو مجلس خبرگان رهبری در خصوص صحبت‌هایش در مورد حسن روحانی اظهار کرد: ما فقط دو تا موضوع را مطرح کردیم: یکی در مورد برنامه برجام که مال آقای روحانی بود و یکی هم در مورد غفت و حجاب که رهبری فرمودند، این کار دشمن تهاجم فرهنگی نیست، بلکه شیخون فرهنگی است؛ اما آقای روحانی در زمانی که ریاست داشتند گفتند حتی اکثر مواد ۲۰۳۰ را اجرایی می‌کنم. آیتا... توکل گفت: اصل قضیه مشخص است و خیلی توضیح هم نیاز نیست. خیلی تند برخورد کردم؛ گفتم که خبرگان به ۸۸ نفر عمار نیازمند است که بار رهبر باشند. این حرف‌ها تضعیف رهبری بوده و ما یک خرده (این بحث‌ها را) پروبالش دادیم، وی در خصوص موضوع سایر اعضای مجلس خبرگان افزود: بسیار موافق بودند؛ بعضی اعضای خبرگان می‌گفتند بگذار دست شما را ببوسیم! بعضی ما را بغل کردند، بعضی ما را بوسیدند، بعضی‌ها – یکی از این مسئولان – فرمایش گفتند که شما غیرت اسلامی را به منصفه ظهور گذاشتید؛ ما باید دست شما را ببوسیم. توکل در خصوص احتمال تأیید صلاحیت حسن روحانی در انتخابات پیش‌روی خبرگان رهبری بیان کرد: به‌صورت اولیه، فکر نمی‌کنم تأیید شود. حالا شاید یک حکمت‌هایی باشد که ما ندانیم. روال اول قضیه، نه؛ ایشان دیگر نمی‌تواند بیاید در خبرگان. به‌نظر من، باید ردصلاحت‌ش شود. وی در خصوص دلایل این کار اظهار کرد:

همین مسأله ۸ سال ریاست‌جمهوری ایشان است.

و وسیع‌تر از این‌ها دیده شده است.

لیست انتخاباتی اصولگرایان؛ سهمای خاص یا عام؟

محمدرضا باهنر مدعی سوم‌سرلیستی تهران؟

در حالی که دو طیف اصولگرایان برای انتخابات مجلس دوازدهم با یکدیگر درگیر هستند، نشانه‌هایی از ورود یک رقیب جدی برای این دو نخله راست‌گرایان دیده می‌شود؛ البته رقیب نه از جنس اصلاح‌طلب، بلکه از تار و پود همان اصولگرایان. به‌نظر می‌رسد اصولگرایان در این انتخابات پیش‌رو نیز مانند انتخابات سال ۱۳۹۸، خیال‌شان از بابت حضور اصلاح‌طلبان راحت است و به همین منظور ابایی برای رقابت با یکدیگر ندارند. اگر در آن انتخابات دولیست طیف قالیباف و جبهه پایداری در نهایت با پادر میانی غلامعلی حداد عادل به لیست واحد تبدیل شد، این بار نیز همان اختلافات در جریان است و حتی شدیدتر؛ اما تفاوتی که با سال ۱۳۹۸ دارد، یک چهره‌اصولگراست که می‌تواند این دو طیف را به در‌درس بیندازد؛ محمدرضا باهنر؛ دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین، محمدرضا باهنر شاید با توجه به فضای اختلافی حاکم بر اردوگاه اصولگرایان تشکل متبوعش به تنهایی تأثیر چندانی در معادلات اصولگرایان نداشته باشد، اما وقتی نام او قبل از نام این تشکل بیاید، آن موقع می‌شود که می‌تواند تأثیرات زیادی داشته باشد. انتظاری می‌رود با وجود اختلافات در جبهه اصولگرایان، نهایتاً به هر شکلی که شده این طیف به یک لیست واحد دست پیدا کند؛ مانند آنچه سال ۱۳۹۸ رخ داد. اما همان لیست واحد نیز تنها تا شنبه بعد از انتخابات دوام آورد و بعد از آن بر سر ریاست مجلس بحث‌ها میان طیف قالیباف و جبهه پایداری آغاز شد.

❖ **جدال بر سر تقسیم غنائم**

این بار نیز اگر بنا باشد اجماع و وحدت روی یک فهرست انتخاباتی در تهران صورت بگیرد، احتمالاً تا پایان ساعت رای‌گیری بیشتر دوام نخواهد آورد و دوباره هر یک از گروه‌ها و تشکل‌های اصولگرایی به قصد تقسیم و دریافت سهم بیشتر از غنائم، با یکدیگر وارد جدال می‌شوند. جدالی مانند آنچه در حال حاضر میان این گروه‌ها در جریان است. طیف قالیباف و جبهه پایداری که در طول این ۴-۳ سال مجلس یازدهم همواره در حال درگیری بوده‌اند و حالا طیف قالیباف با یک نخله مشابه پایداری یعنی «شریان» درگیری جدیدی پیدا کرده است. درگیری بر سر دو همایشی که این دو جریان بر گزار کرده‌اند؛ همایش مینا از سوی طیف قالیباف و همایش حمایت از غزه از سوی «شریان». از سوی دیگر شورای وحدت اصولگرایان نیز که متشکل از جامعه روحانیت مبارز و جبهه پیروان می‌شود، با طیف قالیباف وارد چالشی جدی شده‌اند. برخی پیش‌بینی می‌کنند که اصولگرایان در انتخابات پیش‌رو با سه لیست حاضر شوند، یکی از سوی دولتی‌ها؛ پایداری‌ها؛ دیگری از سوی شورای اتحاد و طیف قالیباف؛ و در نهایت شورای وحدت. در شرایطی که شورای وحدت‌ساز ناسازگاری با طیف قالیباف را کوک نکرده بود، می‌شد حدس زد که این دو گروه با یکدیگر زیر یک چتر جمع شوند. اما بعد از شورای وحدت و همایش مینا و البته حمله تند منوچهر متکی سخنگوی شورای وحدت به عملکرد مجلس یازدهم و پاسخ رئیس اداره اخبار و از نزدیکان قالیباف به سخنان متکی، مشخص شد که آنچنان وحدتی در کار نخواهد بود؛ لاقلاً در این شرایط که ممکن است البته با دخالت ریش‌سفیدها و بزرگان، در نهایت به اجماع برسند.

❖ **دعوی سه گانه بر سر سرلیستی**

اگر در سال ۱۳۹۸ اختلاف طیف قالیباف و جبهه پایداری بابت انتخاب‌سر لیست تهران از میان محمدباقر قالیباف و مرتضی آقاهرائی بود، احتمالاً امسال این دعوا سه‌گانه خواهد بود و علاوه بر این دو، محمدرضا باهنر نیز داعیه سرلیستی خواهد داشت. به لحاظ تجربه در مجلس و توان اداره جلسات و آشنایی با مقررات و ضوابط اجرایی پارلمان باهنر حداقل یکی سر گردن از قالیباف بالاتر است. چرا که قالیباف در این سه چهار ساله نشان داد که در برخی شرایط اداره مجلس از دستش در می‌رود. اما باهنر ۱۲ سال نایب رئیس مجلس بود و بر کارهای دیوانی مجلس تسلط کافی دارد. درباره آقاهرائی نیز باید گفت که قالیباف هم یک‌سر و گردن از او بالاتر است، اما با این وجود در سیاست و لاقلاً در چیدمان مهره‌های سیاسی در اصولگرایان، این مسائل آنچنان تعیین‌کننده نیست و بیشتر قدرت لای در سطوح گوناگون و همچنین قدرت سازماندهی افکار عمومی بدنه اجتماعی‌شان تعیین‌کننده اتفاقات است. مانند همین فهرست واحد اصولگرایی که گرچه در سال ۱۳۹۸ منجر به تصاحب هر ۳۰ صندلی تهران و اکثریت نزدیک به مطلق کل صندلی‌های مجلس شد، اما پس از ورود به مجلس طعنه‌ها و کنایه‌ها نسبت به شیوه‌های لیست‌بندی در اصولگرایان از دست‌ور کار جلماندگان و حاضران مجلس خارج نشد.

❖ **اصولگرایان احتمالاً به لیست واحد می‌رسند اما...**

در انتخابات ۱۴۰۲، اصولگرایان احتمالاً خیال‌شان از بابت رقیبی بیرون از خیمه‌گاه خودشان راحت خواهد بود و ژنرال‌های اصلاح‌طلبان به هر دلیلی در انتخابات حضور نخواهند داشت. به همین دلیل تمرکز بیشتر بر همان خیمه‌گاه خودشان دارند. بر همین اساس اصولگرایان اگر قلع‌و‌قلعند دارند تا با برگزاری همایش‌ها و تجمعانی مقبولیت خود را به رخ سایر گروه‌های این اردوگاه بکشند. اما نباید فراموش کرد که این بار در تهران لاقلاً رسیدن به یک فهرست مشترک مشکل خواهد بود و انتخاب‌سر لیست تهران از میان افراد دارای پتانسیل یعنی محمدباقر قالیباف، مرتضی آقاهرائی و محمدرضا باهنر دو چندان دشوار است.

❖ **امدادهای غیبی به کمک قالیباف می‌آید؟**

مگر اینکه امدادهای غیبی برای اصولگرایان برسد و مثلاً باهنر به فکر نامزدشدن از حوزه انتخابیه کرمان بیفتد و آقاهرائی و قالیباف نیز بر توانایی مانند آنچه در سال ۱۳۹۸ آنچنان شد، موافقت کنند و در عوض صندلی باهنر در هیات رئیسه تضمین شود. البته که تمام اینها تحلیل‌هایی است که بر اساس تحولات رخ داده در اردوگاه اصولگرایان، بیان می‌شود؛ ممکن است با یک موضع‌گیری و اظهارنظر همه‌اصولگرایان با دل خوش به وحدت برسند یا در سه لیست مجزا با هم رقابت کنند؛ اما آنچه تقریباً قطعی است، به چالش کشیده شدن سر لیستی اصولگرایان در تهران توسط محمدرضا باهنر است؛ چهره‌ای که لای‌گر و نافذو است و در لابه‌لای مختلف حاکمیت مقبولیت قابل توجهی دارد. واقعیت جاری دیگری که تا آالن می‌توان آن را قطعی دانست، منازعه برای تعیین سهم هر گروه از اصولگرایان در لیست‌های انتخاباتی سراسر کشور است؛ تحولات آینده نشان می‌دهد که لیست انتخاباتی اصولگرایان سهمای خاص است یا سهمای عام!